

Trend Analysis of the US Trade War Against China (2018-2022)

Elham Zahedi khatir

M.A in International Relations. Faculty of Law & Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Elham.Zahedy.75@gmail.com

Mokhtar Salehi

Corresponding Author, Assistant Assistant Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. mo.salehi@umz.ac.ir

Abstract

The US trade war against China started in the Trump administration and had a great impact on the political and economic situation of the world. After the end of the Trump administration, there was an expectation that the trade war would subside and with his departure, this issue would also be removed from the agenda of American foreign policy. But with the investigation, it seems that the fire of the trade war has not been extinguished and its flames are ready to ignite at any moment. In this regard, this research tries to answer these questions. First, why the trade war has noticed during the Trump era? Second, why did the US trade war eventually focus on China despite the increasing economic tension of the Trump administration with other countries? And finally, has Trump's desired trade war subsided during the Biden era, and if not, what changes have occurred in its implementation? According to the hypothesis, the emphasis on trade war in Trump's foreign policy has been influenced by his nationalistic policy in redefining America's economic relations with other countries, but due to America's strategic competition with China, America's trade war was focused on China. In the Biden period, despite his government's emphasis on reducing trade tension with China, the trade war approach against China has continued. In the findings of the research, it was found that instead of directly emphasizing the trade war, the Biden government tries to combine its actions against indirectly, and he actually seeks to achieve a global and regional alliance in Asia

around China. The framework of this research is descriptive and analytical, and data collection and analysis have been done in a qualitative way based the Trend Analysis.

Keywords: *China, The States, Strategic Competition, Continuation of Trade war, Economic Realism*

روند پژوهی تداوم جنگ تجاری آمریکا علیه چین (۲۰۱۸-۲۰۲۲)

الهام زاهدی خطیر

کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
Elham.Zahedy.75@gmail.com

مختار صالحی

نویسنده مسئول، استادیار روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
mo.salehi@umz.ac.ir

چکیده

جنگ تجاری آمریکا علیه چین در دولت ترامپ آغاز شد و بر معادلات سیاسی و اقتصادی جهان تأثیر زیادی گذاشت. پس از پایان دولت ترامپ این انتظار وجود داشت که جنگ تجاری فروکش کرده و با رفتن وی این موضوع نیز از دستور کار سیاست خارجی آمریکا خارج شود؛ اما به نظر می‌رسد آتش جنگ تجاری خاموش نشده و زبانه‌های آن هر لحظه آماده شعله‌ور شدن است. در همین راستا در این پژوهش سعی می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود. نخست اینکه، چرا جنگ تجاری در دوره ترامپ مورد توجه قرار گرفت؟ دوم، چرا با وجود افزایش تنش اقتصادی دولت ترامپ با دیگر کشورها، در نهایت جنگ تجاری آمریکا بر روی چین متمرکز شد؟ و در نهایت، آیا در دوره بایدن جنگ تجاری مورد نظر ترامپ فروکش کرده و اگر نه چه تغییر و تحولاتی در اجرای آن به وجود آمده است؟ بنا بر فرضیه، تأکید بر جنگ تجاری در سیاست خارجی ترامپ متأثر از سیاست ملی‌گرایانه وی در بازتعریف روابط اقتصادی آمریکا با دیگر کشورها بوده است، اما به دلیل رقابت استراتژیک آمریکا با چین، جنگ تجاری آمریکا بر روی چین متمرکز شد. در دوره بایدن نیز علی‌رغم تأکید دولت وی بر کاهش تنش تجاری با چین، رویکرد جنگ تجاری علیه چین تداوم یافته است. در یافته‌های پژوهش مشخص شد دولت بایدن به جای تأکید مستقیم بر جنگ تجاری، تلاش دارد اقدامات خود علیه چین را با دلایل دیگری غیر از جنگ تجاری همراه کند و عملاً به دنبال دستیابی به یک ائتلاف جهانی و منطقه‌ای در آسیا پیرامون چین است. ماهیت این پژوهش توصیفی

تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به روش کیفی در قالب روند پژوهی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: چین، ایالات متحده، رقابت استراتژیک، تداوم جنگ تجاری، واقع‌گرایی اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۳، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۶۲-۱۳۳

مقدمه

در سال‌های اخیر به‌خصوص از سال ۲۰۱۸ به بعد یکی از موضوعات مهم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل مسئله جنگ تجاری بین آمریکا و چین و به تعبیر دیگر جنگ تجاری ترامپ علیه چین باشد. هرچند جنگ تجاری آمریکا علیه چین در دوره ترامپ نمایان شد، اما مسئله اختلاف دیدگاه دو کشور در مورد چگونگی مدیریت چالش‌های پیش رو به قبل از دوره ترامپ برمی‌گردد و با کنار رفتن ترامپ این مسئله کمرنگ نشد و کماکان در دوره بایدن رئیس‌جمهور بعدی آمریکا نیز به اشکال مختلف وجود دارد. در این پژوهش دو نکته مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد. در ابتدا تلاش می‌شود موضوع جنگ تجاری، ویژگی‌ها و تاریخچه‌ای از این رویکرد به‌خصوص در سیاست خارجی آمریکا توضیح داده شود و در مرحله بعد دوره ترامپ و پس‌از آن فضای حاکم بر روابط اقتصادی آمریکا و چین در دوره بایدن به بحث گذاشته می‌شود.

نکته مشترک و البته مهمی که دو موضوع فوق را به هم گره می‌زند این است که چه مؤلفه‌ها و عواملی منجر به بروز جنگ تجاری آمریکا علیه چین به‌خصوص در دوره ترامپ به بعد شد؟ و چرا با وجود تغییر دولت در آمریکا این روند در دوره بایدن نیز تداوم یافته است؟ برای پاسخ به پرسش فوق می‌توان این‌گونه مطرح نمود که آمریکا و به‌خصوص دولت ترامپ معتقد بود چین مانعی برای امنیت و شکوفایی آمریکاست و قدرت، نفوذ و منافع این کشور را به چالش می‌کشد؛ بنابراین با شروع یک جنگ تجاری با این کشور سعی کرد مانع از کاهش فاصله این کشور از آمریکا شود. بررسی موضوع جنگ تجاری آمریکا و چین در قالب

نظریه واقع‌گرایی اقتصادی که بر نقش و جایگاه دولت‌ها در حمایت از اقتصاد ملی نسبت به اقتصاد جهانی تأکید دارد صورت می‌گیرد. در این چارچوب ماهیت پژوهش شیوه توصیفی تحلیلی داشته و برای بررسی بهتر موضوع به صورت روند پژوهی جنگ تجاری میان دو کشور تحلیل می‌شود.

۱- پیشینه پژوهش

پانزستو^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «جنگ تجاری چین و آمریکا: چشم‌انداز اندونزی»، رویکردی کل‌نگر در مورد تأثیر جنگ تجاری ایالات متحده و چین بر اندونزی دارد. این مقاله به چگونگی چارچوب یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در دوره ترامپ می‌پردازد. چانگ و لی^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «درک جنگ تجاری چین و آمریکا، علل، تأثیر اقتصادی و بدترین سناریو» جنگ تجاری بین چین و ایالات متحده را از نقطه نظر تاریخی مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها با مقایسه جنگ تجاری چین و آمریکا در دوره ترامپ با درگیری‌های تجاری مشابه در تاریخ، سه دلیل عدم تعادل تجاری، انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده و رقابت برای تسلط بر اقتصاد جهانی نسبت داد. ژائو^۳ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا جنگ سرد جدید اجتناب‌ناپذیر است؟» چشم‌انداز رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین است را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. لاو^۴ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط اقتصادی چین و آمریکا» به بررسی میزان صحت مازاد تجاری چین و ایالات متحده می‌پردازد. او معتقد است مازاد تجاری چین با ایالات متحده به اندازه‌ای که تصور می‌شود بزرگ نیست اما قابل توجه است.

وثوقی، رستمی، یزدانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیرات قدرت‌یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا» معتقدند قدرت‌یابی چین و تلاش‌های آن برای کسب نقش بیشتر در مدیریت نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه رقابت بین چین و آمریکا

1 . Panqestu

2 . Chong & Li

3 . Zhao

4 . Lau

و احساس خطر برای هژمونی آمریکا را فراهم کرده است. مژگان قربانی (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ تجاری آمریکا و چین: علل و پیامدهای آن» موضوع جنگ تجاری بین آمریکا و چین را از منظر تلاش آمریکا برای مهار شدن چین در قالب رقیب استراتژیک بحث نموده است. همچنین این مقاله به پیامدهای جنگ تجاری میان طرفین نیز پرداخته است.

کریمی فرد در پژوهشی دیگر تحت عنوان «سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل» سیاست خارجی ترامپ را به لحاظ نظری بررسی کرده است و معتقد است رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی در آن وجود داشته است. آمریکا با اینکه از لحاظ منابع قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در صدر کشورهای جهان است نمی‌تواند به‌طور کامل نسبت به دیگر کنشگران سیاسی جهان مثل دولت‌ها، نهادها یا فرایند جهانی شدن بی‌توجه باشد (کریمی فرد، ۱۳۹۷).

این پژوهش ضمن بهره‌گیری از مطلب و پژوهش‌های صورت گرفته، تلاش می‌کند در چارچوب و دسته‌بندی متفاوت چرایی جنگ میان آمریکا و چین را به بحث بگذارد و در اقدامی متمایز از طریق بررسی اقدامات جنگ تجاری بین آمریکا و چین در چارچوب روند پژوهی چرایی تداوم این رویکرد در دولت بلیدن را نیز مورد بررسی قرار دهد.

۲- چارچوب نظری: جنگ تجاری از منظر واقع‌گرایی اقتصادی

رابرت گیلپین یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه واقع‌گرایی اقتصادی است و معتقد است، ماهیت روابط بین‌الملل در طی سالیان متمادی به‌طور ماهوی تغییر نکرده و بنابراین، واقع‌گرایی همچنان بر عرصه روابط بین‌الملل حاکم خواهد بود. در جهان مبتنی بر آنارشی و منافع متضاد، قدرت و روابط قدرت، ویژگی اساسی امور بین‌الملل و زندگی سیاسی به‌شمار می‌آید، درحالی‌که واقع‌گرایی سنتی بر اهمیت قدرت نظامی به‌عنوان متغیر تعیین‌کننده نهایی امور سیاسی تأکید دارد. گیلپین دیگر اشکال قدرت را نیز تصدیق می‌کند، از این منظر در جهانی که بشریت از بعد سیاسی به گروه‌های متمایزی تقسیم‌گرفته‌اند، روابط اقتصادی نیز می‌تواند

مهم تلقی شود و با عنصر قدرت عجین گردد (قاسمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۰).

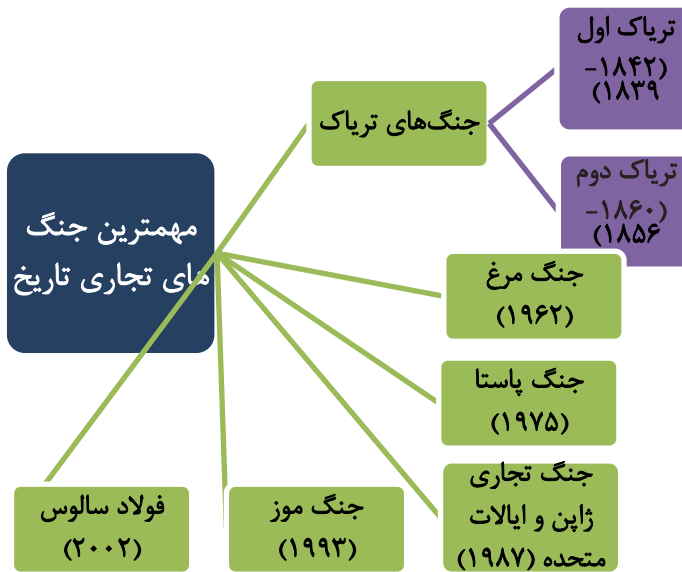
دولت‌ها علاقه‌مند به افزایش قدرت و نفوذ خود هستند و بنابراین با دیگر دولت‌ها یا بازیگران در این نظام همکاری می‌کنند تا قابلیت‌های خود را افزایش دهند. یکی از این حوزه‌های حساس برای همکاری روابط اقتصادی است که پیشرفت در این حوزه قدرت زیادی برای دولت‌ها به ارمغان می‌آورد. گیلپین معتقد است که نظام بین‌الملل یک دولت را تحریک می‌کند که قدرت خود را افزایش دهد و یا حداقل باتدبیر مانع افزایش قدرت دولت‌های رقیب بشود (نوریان، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۷).

دولت‌ها کنش گرانی خردمند هستند و نشانه خردمندی آن‌ها در گرایش به محاسبات هزینه و فایده در راستای حداکثر سازی قدرتشان است. از آنجاکه مسئله اصلی تحکیم موقعیت نسبی قدرت است، ممکن است برخی دولت‌ها از طریق حمایت‌گرایی یا از طریق افزایش هزینه‌های امنیتی و نظامی برخی زیان‌های اقتصادی را تحمل کرده و درصدد تضعیف رقبای خود باشند؛ بنابراین، اقتصاد در خدمت سیاست و تغییر و تحولات اقتصادی تابع اهداف و منافع سیاسی است (قنبرلو، ۱۳۹۳، ص. ۸۹).

بر اساس نظر گیلپین، اقتصاد سیاسی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بر این ایده مبتنی است که بازارها در درون یک نظام سیاسی اجتماعی بزرگ‌تر قرار دارند. دولت، منافع قدرتمند داخلی و تجربیات تاریخی عوامل تعیین‌کننده هدف اقتصاد و شاخص‌هایی هستند که بازار در درون آن عمل می‌کند. برخلاف عقیده اقتصاددانان در خصوص جهانی بودن فعالیت‌های اقتصادی و ویژگی یکسان آن‌ها در مناطق مختلف جهان، اهداف فعالیت‌های اقتصادی متأثر از فرایندهای اجتماعی بوده و در نقاط مختلف جهان متفاوت هستند (گیلپین، ۱۳۹۲، ص. ۵۰).

تراپ با رد اتحادها و متحدان سنتی، تضعیف نهادهای بین‌المللی و اصول یک سیستم بازرگانی بین‌المللی باز و آزاد رهیافت واقع‌گرایی کلاسیک را در پیش گرفته بود (کوزلاریچ، خبرگزاری مهر، ۲۱ آبان ۱۳۹۸). آنچه به‌وضوح در روابط کنونی چین و آمریکا قلم‌گشا شده است، چه در دولت تراپ و چه بعد از آن در دوره دولت بایدن، این است که دو کشور، بر اساس مکتب واقع‌گرایی به روند تحولات

اقتصادی خود با یکدیگر می‌نگرند. این واقع‌گرایی به‌شدت ویژگی‌هایی چون دولت‌محوری و قدرت محوری را در خود حفظ کرده است. هر دو دولت سعی می‌کنند در این رقابت اقتصادی و سیاسی نفس‌گیر به پیروزی دست یابند در این میان افراد و شرکت‌ها در هر دو کشور نمی‌توانند تأثیر چندانی در اتخاذ تصمیمات دولت‌های خویش داشته باشند.



جنگ‌های تجاری در جامعه مدرن به وجود نیامدند و همیشه از گذشته به‌عنوان راهی مؤثر برای مقابله با کشوری که در سیاست‌های تجاری خود نادرست و غیراخلاقی رفتار کرده و یا راهی برای کسب سود بیشتر شناخته می‌شده است. جنگ‌های تجاری بسیاری در طول تاریخ به وقوع پیوستند. تعدادی از آن‌ها در مقیاسی بزرگ‌تر و با تأثیراتی عمیق‌تر بوده‌اند مانند جنگ‌های تریاک، قانون تعرفه اسموت هاولی، جنگ مرغ، جنگ موز، فولاد سالوس، جنگ پاستا و جنگ تجاری

ژاپن و ایالات متحده که در سال ۱۹۸۷ در زمان رئیس‌جمهور ریگان اتفاق افتاد.

۳- روند پژوهی جنگ تجاری آمریکا و چین

روابط آمریکا و چین فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است و از زمان انقلاب چین الگوهای مختلفی بر روابط دو کشور حاکم شده است؛ اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد الگوی حاکم بر روابط دو کشور تغییر پیدا کرد. در دهه ۱۹۹۰ به تدریج روابط دو کشور در غلبه الگوی همکاری اقتصادی و رقابت استراتژیک شکل گرفت و در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصاد و امنیت بین‌الملل روابط خود را شکل دادند (کشمیری، ۱۳۹۵: ۸۸). یکی از وجوه پراهمیت این روابط تعاملات اقتصادی و تجاری بوده است که به سرعت رو به گسترش پیدا کرد. با تحول و ارتقا ساختار اقتصادی چین، محصولات بین چین و ایالات متحده به تدریج از مکمل به رقابتی تغییر یافتند. این تغییر و تحول باعث شده است که ایالات متحده چین را به عنوان رقیب اصلی در نظر بگیرد (Sheng, 2018, P.399).

چین در راستای تبدیل اقتصاد خود به یک اقتصاد خلاق و نوآور تلاش کرده طرح‌های مختلفی را در داخل کشور در پیش بگیرد، اقدامی که به نظر می‌رسد گسترش نقش و نفوذ چین در پیشبرد اقتصاد جهانی و هدایت و رهبری حاکمیت جهانی تأثیر عمده‌ای خواهد داشت. در این مورد می‌توان به طرح ساخت چین ۲۰۲۵ اشاره داشت. طرح ساخت چین ۲۰۲۵ سه هدف استراتژیک را دنبال می‌کند. در هدف اول توسعه، خواهان رساندن چین از یک غول تولیدی به یک قدرت تولیدی تا سال ۲۰۲۵ است. در گام دوم هدف رسیدن به سطح متوسط قدرت‌های تولیدی جهان تا سال ۲۰۳۵ است. گام سوم تحکیم بیشتر موقعیت چین به عنوان یک قدرت تولیدی و افزودن تولیدات جامعه چین در لیست برتر جهان تا سال ۲۰۴۹ است (Huimin etc, 2018, P.3).

ظهور سریع چین تهدیدی برای هژمونی آمریکا است. دولت‌های قبل در آمریکا نگران عواقب رشد چین بودند و تلاش می‌کردند استراتژی «یک کشور مسئول» را نسبت به آن اتخاذ کنند و عملاً با چین وارد تعامل سازنده شوند، اما ترامپ با چین به عنوان یک رقیب معارض رفتار می‌کرد. رقیبی که به دنبال تضعیف تقدم آمریکا و

روابط آن کشور با متحدان منطقه‌ای خود است. هم استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ و هم استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ آن کشور چالش استراتژیک بلندمدت را در درجه اول چین قلمداد کرده است (شفیعی، ۱۴۰۰: ۳۹۱). به همین دلیل ایالات متحده آمریکا جنگ تجاری علیه چین را آغاز کرد و علاوه بر تحمیل تعرفه‌های اضافی برای محصولات وارداتی چینی، محدودیت‌هایی را نیز برای انتقال فناوری چین و فعالیت‌های تجاری برخی از شرکت‌های پیشرفته چینی به‌ویژه هوآوی^۱ ایجاد کرد. اقدامی که این نگرانی را برای چینی‌ها به وجود آورد که تشدید جنگ تجاری به یک جنگ فنی می‌تواند منجر به جدا شدن بین اقتصادهای ایالات متحده و چین شود (Hung Kwant, 2019, P.1). در ادامه در چارچوب روند پژوهی مجموعه اقدامات طرفین در جنگ تجاری گردآوری شده است. در این جنگ، حجم تعرفه‌های آمریکا علیه چین مجموعاً به ارزش ۵۵۰ میلیارد دلار و در مقابل چین مجموعاً به ارزش ۱۸۵ میلیارد دلار بوده است (Mullen, 15May, 2022).

تاریخ	روند پژوهی مهم‌ترین اقدامات در جنگ تجاری آمریکا علیه چین ۲۰۲۲-۲۰۱۸
06/07/2018	وضع ۲۵ درصد تعرفه به ارزش ۳۴ میلیارد دلار از سوی آمریکا
06/07/2018	وضع تعرفه متقابل به ارزش ۳۴ میلیارد دلار از سوی چین
23/08/2018	اعمال ۲۵ درصد تعرفه به ارزش ۱۶ میلیارد دلار از سوی آمریکا
23/08/2018	اعمال تعرفه متقابل ۲۵ درصدی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار از سوی چین
24/09/2018	وضع ۱۰ درصد تعرفه به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار از سوی آمریکا
24/09/2018	وضع عوارض گمرکی متقابل به ارزش ۶۰ میلیارد دلار از سوی چین
01/12/2018	اعلان آتش‌بس متقابل در جنگ تجاری در اجلاس جی ۲۰ در آرژانتین
10/05/2019	افزایش تعرفه مجدد از سوی آمریکا از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار
15/05/2019	اعلام وزارت امور خارجی مبنی بر الحاق شرکت هاوایی Huawei به لیست اعمال تعرفه
01/06/2019	افزایش تعرفه از سوی چین به ارزش ۶۰ میلیارد دلار
29/06/2019	موافقت دوباره چین و آمریکا برای آتش‌بس جنگ تجاری در اجلاس جی ۲۰ در ژاپن

^۱-Huawei

05/08/2019	نام‌گذاری چین از سوی آمریکا در دست‌کاری عمدی ارز
23/08/2019	چین اعلام کرد تعرفه‌های ۵ تا ۱۰ درصدی بر روی کالاهای آمریکایی به ارزش ۷۵ میلیارد دلار اعمال کرده است.
01/09/2019	همان‌طور که انتظار می‌رفت، تعرفه‌های آمریکا بر بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار واردات چین آغاز می‌شود
14/02/2020	چین تعرفه‌های اضافی بر ۷۵ میلیارد دلار از محصولات آمریکایی اعمال‌شده در سال ۲۰۱۹ را نصف کرد.
12/05/2020	چین دومین دسته از معافیت‌های تعرفه‌ای جنگ تجاری را بر روی ۷۹ محصول آمریکایی اعلان کرد.
01/09/2020	به ده‌ها کالای وارداتی آمریکا از چین تمدید کوتاه‌مدت معافیت‌های تعرفه‌های قبلی داده شده است
02/12/2020	جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، به نیویورک تایمز گفت که او هیچ «اقدام فوری» برای لغو تعرفه‌های جنگ تجاری انجام نخواهد داد.
18/02/2021	جانت یلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید که تعرفه‌های گمرکی برچین «به قوت خود باقی خواهد ماند»
19/07/2021	جانت یلن می‌گوید، معاملات تجاری به «مشکلات اساسی» رسیدگی نکرده است.
09/11/2021	ایالات‌متحده ممنوعیتی را تمدید می‌کند که سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در شرکت‌های چینی را که ادعا می‌کنند با ارتش چین ارتباط دارند، ممنوع می‌کند
26/01/2022	سازمان تجارت جهانی به چین اجازه داد تا ۶۴۵ میلیون دلار تعرفه‌های جبرانی علیه ایالات‌متحده پس از یک دهه وضع کند.
23/03/2022	ایالات‌متحده معافیت‌های تعرفه‌ای را بر بیش از ۳۵۰ کالای وارداتی چینی بازگرداند.
10/05/2022	جو بایدن می‌گوید که بحث در مورد کاهش احتمالی تعرفه‌های تجاری بر چین که توسط سلف او اعمال‌شده بود ادامه دارد.

18/06/2022	جو بایدن گفت که به زودی با شی جین پینگ گفتگو خواهد کرد و در حال بررسی اقدامات احتمالی در مورد تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی است که توسط دولت ترامپ اعمال شده است.
05/07/2022	لیو او، معاون نخست‌وزیر چین، با جانث یلن، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در مورد مسائل مورد علاقه گفت‌وگوی «عمل‌گرایانه و صریح» داشتند.

(Mullen, 15 May, 2022)

۴- رویکرد اعلان و تداوم جنگ تجاری آمریکا علیه چین

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود انتظار می‌رفت با آمدن بایدن جنگ تجاری متوقف شود اما این‌گونه نشد. اعلان جنگ تجاری آمریکا در دولت ترامپ و تداوم آن در دولت بایدن علیه چین ریشه در عوامل گوناگونی دارد. در واقع تحلیل چرایی اعلان جنگ تجاری آمریکا در دولت ترامپ و تداوم آن در دولت بایدن علیه چین را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود که هر بخش خود از چند علت تشکیل می‌شود. در بخش نخست ریشه اعلان جنگ تجاری آمریکا علیه چین را می‌توان ناشی از سیاست‌هایی دانست که دولت ترامپ نسبت به روابط با کشورهای دیگر در پیش گرفت. در این چارچوب تأکید بر انزوا گرایی در سیاست خارجی، حمایت‌گرایی اقتصادی، تأکید بر بازگشت به عظمت و قدرت آمریکا از جمله مواردی است که باعث فراهم شدن شرایط جنگ تجاری آمریکا علیه چین شد (قربانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۶). جایگاه چین و نگرانی‌هایی فزاینده‌ای که آمریکا نسبت به توسعه جهانی چین در سطح بین‌الملل دارد باعث شد نوک پیکان جنگ تجاری آمریکا بیشتر متوجه چین شود. لذا بدین منظور موارد متعددی را می‌توان مثال زد که دولت ترامپ به پشتوانه آن خود را محق بر اعلان چنین سیاستی علیه چین می‌دانست.

در ادامه، عوامل تأثیرگذار بر اعلان جنگ تجاری آمریکا علیه شامل رویکرد اقتصادی و سیاسی دولت ترامپ، سیاست مهار نفوذ جهانی چین به‌عنوان رقیب استراتژیک آمریکا؛ رویکرد حمایت‌گرایی اقتصادی در تجارت متقابل با چین؛

مهار چین در حوزه تکنولوژی و فناوری‌های نوین و پیشرفته و نگرانی‌های امنیتی ناشی از رشد قدرت اطلاعاتی چین به بحث گذاشته می‌شود. در بخش دوم چرایی تداوم این راهبرد از سوی دولت بایدن است. در این زمینه هرچند می‌توان نشانه‌هایی از عوامل فوق در دوره ترامپ را در این دوره مشاهده کرد، اما بیش از هر چیز متمرکز نمودن این رویکرد بر علیه چین برای دولت بایدن هم می‌تواند این روش را کارآمدتر کرده و هم اجماع جهانی را برای این منظور به دست آورد.

۴-۱. رویکرد اقتصادی و سیاسی دولت ترامپ

در مورد علت وقوع جنگ تجاری میان آمریکا و چین و به‌طور مشخص آغاز آن در دوره ترامپ به نظر می‌رسد بیش از هر چیزی نقش و رویکرد شخص ترامپ در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار باشد. در واقع ترامپ همواره خود را مدعی دفاع از اقتصاد ملی آمریکا در مقابل کشورهای دیگر دانسته و تلاش کرده در موقعیت‌های مختلف از این سیاست دفاع کند. دفاع وی از لزوم اعمال تعرفه بر کالاهایی که از کشورهای دیگر وارد آمریکا می‌شود به قبل از دوران ریاست جمهوری وی برمی‌گردد. به‌طور مثال، در سال ۱۹۸۸ در مصاحبه خبری اعلام کرد آمریکا نیاز است در مقابل ورود کالاهای ژاپنی به آمریکا تعرفه اعمال کند. وی به‌طور قوی به لزوم حمایت از اقتصاد کشور تأکید و دیگر کشورها را متهم به چپاول اقتصاد آمریکا می‌کرد (Tankersley, Landler, New York Times, May 15, 2019).

دولت ترامپ در رویکرد جدید اقتصاد سیاسی خود امنیت ملی را به‌عنوان امنیت اقتصادی تعریف کرد و با این عمل موجب شد که مخالفان آمریکا از این حرکت سیاسی پیروی کنند. دولت وی با رد آشکار چندجانبه‌گرایی، اقدامات متعددی را اتخاذ کرد که برای حفظ و یا گسترش صنایع داخلی، تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه در داخل و در قبال شرکای تجاری خارجی طراحی شده بود. این سیاست‌ها مبتنی بر نظریه‌های اقتصادی انزواطلبی و ملی‌گرایی، بازگشت مرزهای اقتصادی را به داخل قلمرو ایالات متحده نوید می‌داد. هرچند وی از مزایای تجارت چندجانبه و نهادهای اقتصادی بین‌المللی آگاه بود اما وی به دنبال

دگرگون‌سازی قراردادهای تجارت آزاد و قوانین تجارت بین‌الملل به نفع خود بود تا شرکای تجاری خود را مجبور به پذیرش شرایط تحمیل شده مورد نظر واشنگتن از راه تهدیدها و محدودیت‌ها کند (صالحی، ۱۴۰۰، صص ۷۳۸-۷۳۹).

۴-۲. سیاست مهار نفوذ جهانی چین به‌عنوان رقیب استراتژیک آمریکا

یکی از نکات مهمی که در این پژوهش لازم است به آن پرداخته شود مسئله چرایی آغاز جنگ تجاری آمریکا در دولت ترامپ است؟ هرچند قبل از این دوران موارد اختلافی زیادی بین چین و آمریکا حتی قبل از به قدرت رسیدن ترامپ وجود داشت، اما در این دوره جنگ تجاری به‌طور مشخص از سوی ترامپ کلید خورد. به نظر می‌رسد چرایی این جنگ به عوامل مختلفی بستگی دارد که روسای جمهور ایالات متحده تا اوپاما تلاش کردند رویکردی محتاطانه همراه با همکاری در قبال چین در آسیا در پیش بگیرند. البته در آن دوران سیاست خارجی آمریکا بیشتر در منطقه خاورمیانه متمرکز بوده است و ظهور آرام چین اهمیت کمتری برای روسای جمهور گذشته داشته است. در واقع سیاست همکاری سازنده آمریکا در قبال چین که بر مبنای «اعتماد سازنده» طراحی شده بود بعد از ۲۰۱۰ تغییر پیدا کرد. ایالات متحده در سند استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۱۰ آسیا محوری را به‌عنوان اولویت خود مشخص کرده بود. استراتژی اعتماد استراتژیک که در زمان بوش وضع شد، باهدف تشویق چین به ایفای نقش مسئولانه در نظم بین‌المللی حاکم ایفا بود. در حالی که در ادامه آمریکایی‌ها در دکتترین جدید خود، مهار چین را مدنظر قرار دادند تا از تبدیل شدن آن به یک هژمون منطقه‌ای جلوگیری کنند (حسن خانی، مسرور، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۹). آنچه هم‌اکنون در کانون نگرانی‌های آمریکا در مورد ساختار در حال پیدایش منطقه‌ای شرق آسیا قرار دارد، نفوذ روزافزون چین است. در حوزه اقتصاد منطقه‌ای گرچه واشنگتن مساعدت چین را به‌عنوان موتور محرکه رشد منطقه‌ای و رشد اقتصادی جهان به رسمیت می‌شناسد، در عین حال نگرانی‌اش را درباره چالش‌های نهفته و موجود در منافع اقتصادی آمریکا نیز طرح کرده است. بر این اساس، آمریکا برای اینکه بتواند همچنان به‌عنوان تنها ابرقدرت جهان باقی بماند ضروری است تا مانع به وجود آمدن هرگونه قدرت چالش‌برانگیز

در هر نقطه از جهان شود (وثوقی، رستمی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

در همین ارتباط این نگرش وجود دارد که ریشه اصلی جنگ تجاری آمریکا علیه چین ماهیت سیاسی دارد. بدین معنی که شکاف روزبه‌روز بین چین و آمریکا کمتر شده و آمریکا این برداشت را دارد که در آینده نزدیک، چین، موقعیت و جایگاه هژمونیک آمریکا را به چالش می‌کشد. در واقع جنگ تجاری آمریکا علیه چین باهدف کند نمودن رشد اقتصادی چین به‌عنوان موتور محرکه قدرت سیاسی و نظامی چین صورت می‌گیرد. این رویکرد این تحلیل را نمایان می‌سازد که راهبرد آمریکا در قبال چین در قالب رقابت استراتژیک در نهایت به یک درگیری نظامی منجر می‌شود (شفیعی، ۱۴۰۱، صص. ۷-۸).

از منظر فوق، اگر آمریکا اکنون جلوی نفوذ چین را نگیرد بعداً مجبور خواهد شد دنیا را با چین شریک شود. تصمیم دولتمردان آمریکا برای توقف رشد مستمر چین معطوف به تمامی حوزه‌هایی است که این کشور ممکن است به واسطه آن‌ها چالش عمده در برابر اهداف بلندمدت آمریکا ایجاد نماید؛ اما به نظر می‌رسد با وجود آنکه چین و آمریکا در بسیاری از نقاط جهان دارای منافع مشترک و گاهاً متناقض هستند در مقطع کنونی این آسیا است که محلی برای مناقشه دو ابرقدرت به‌منظور عقب زدن دیگری از حوزه‌های نفوذ واقع شده است (وثوقی، رستمی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۵).

البته به نظر می‌رسد نوع نگاه آمریکا به چین در دوره ترامپ با دوره بایدن چندان تفاوتی به لحاظ راهبردی نداشته و فقط در شیوه و چگونگی مدیریت توسعه جهانی جایگاه چین تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. لذا این جنگ در دوره زمامداری جو بایدن نه تنها تنزل پیدا نکرده بلکه تشدید یافته است. هرچند بایدن در ابتدا وضع تعرفه‌های دولت ترامپ بر روی چین را به ضرر اقتصاد داخلی آمریکا توصیف می‌کرد اما در ادامه خود دولت بایدن چندان از موضع دولت قبل عقب‌نشینی نکرده و کماکان بر این موضع اصرار دارد. تحت فشار قرار دادن هم‌تایان اروپایی در اجلاس گروه ۷ در خردادماه ۱۴۰۰ در انگلیس و حمایت دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در تصویب لایحه‌ای که ۲۵۰ میلیارد دلار در علم

فناوری را باهدف تقویت رقابت آمریکا در مقابل چین در سال ۲۰۲۱ تصویب کرد. نشانه‌ای از تلاش دولت باید در تداوم راه مقابله چین تعبیر می‌شود (شفیعی، ۱۴۰۱، صص ۳-۴).

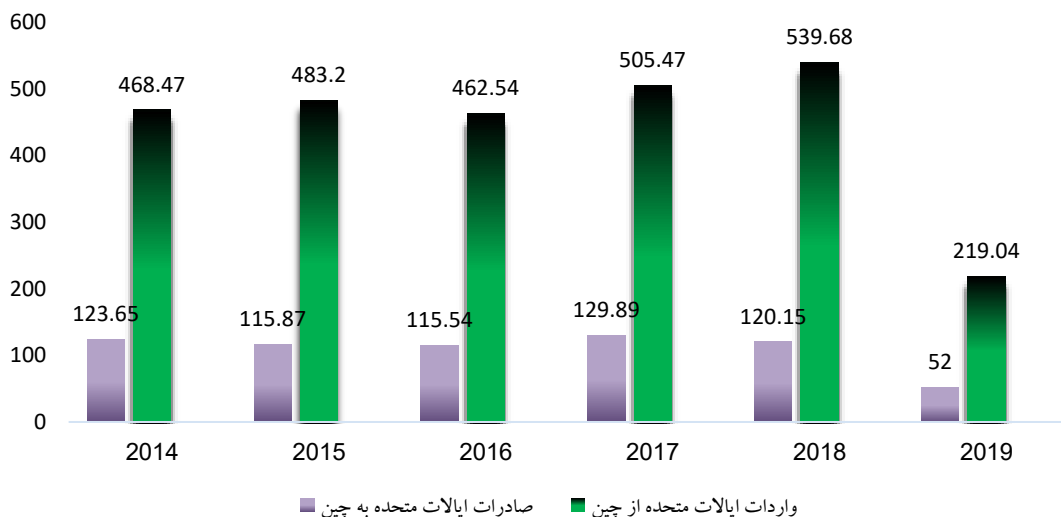
بایدن در مورد شیوه برخورد با چین معتقد بود لازم نیست مناقشه‌ای بین دو کشور صورت گیرد، هرچند رقابتی جدی میان طرفین وجود دارد. دولت وی نیز همچون ترامپ چین را تهدیدی مهم برای آمریکا تلقی می‌کند و البته در این میان آمریکا تلاش می‌کند در این دوره ترکیبی از دیپلماسی، مقررات بین‌المللی و اقدامات هماهنگ با متحدان خود را برای شیوه تعامل با چین به کار گیرد (نوروزی و عله پور، ۱۴۰۰، صص ۵۴۶-۵۴۷). از منظر دولت بایدن اتکا به چین برای دستیابی به اهداف موردنظر آمریکا دیگر ممکن نیست و البته آمریکا نیز توانایی شکل‌دهی به رفتارهای چین را ندارد. اقدامی که آمریکا لازم است انجام دهد شکل‌دهی به یک محیط استراتژیک پیرامون چین است (Joshi, 31 May, 2022). این اقدام در واقع به معنی گسترش سطح تعاملات اقتصادی و امنیتی آمریکا با دولت‌های رقیب چین در منطقه و جهان است که در دوره ترامپ این شیوه مورد توجه قرار نگرفت و سیاست‌های ملی‌گرایی اقتصادی دولت ترامپ حتی دامن متحدان و دوستان سابق آمریکا را نیز در بر گرفت.

۳-۴. رویکرد حمایت‌گرایی اقتصادی در تجارت متقابل با چین

در یک اقتصاد بسته افراد حقیقی یا حقوقی اگر بخواهند در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند فقط باید به پس‌انداز خود اکتفا کنند؛ اما اقتصاد آزاد می‌تواند پس‌اندازهایی را از خارج از کشور به دست آورد؛ بنابراین با ایجاد کسری تجاری و استقراض از بقیه کشورهای جهان بیشتر از پس‌انداز داخلی سرمایه‌گذاری کند. متناوباً می‌تواند با داشتن مازاد تجاری به بقیه جهان وام دهد و در نتیجه بیشتر از سرمایه‌گذاری در خانه پس‌انداز کند (Lawrence, 2018, P.2). دونالد ترامپ معتقد بود کسری‌های تجاری ایالات متحده با سایر نقاط جهان موجب کاهش اشتغال و تولید در آمریکا شده است. این کاهش تولید آمریکا را بیشتر به کشورهای دیگر وابسته می‌کند و کاهش اشتغال قدرت خرید افراد را کم می‌کند. در واقع واردات

بیش از اندازه و ارزان قیمت می تواند با امنیت ملی آمریکا در ارتباط باشد.

نمودار تراز تجاری ایالات متحده با چین از سال ۲۰۱۴ تا ژوئن ۲۰۱۹ برحسب میلیارد دلار



(Buchholz, 2019, Aug 19)

زنجیره های ارزش جهانی تنها عامل ساختاری است که تا حدی توضیح می دهد که چرا تقریباً نیمی از کسری تجاری ایالات متحده از تجارت آن با چین ناشی شده است. در دهه های گذشته چین مرکز مونتاژ محصولات تولیدی مختلفی است که در بازار ایالات متحده به فروش می رسد. به عنوان مثال تمام آیفون های فروخته شده به مصرف کنندگان آمریکایی قبل از اینکه به ایالات متحده حمل شوند ابتدا در چین مونتاژ می شدند. ارزش این واسطه ها بخشی از مازاد تجاری چین به ایالات متحده شد. سهم قابل توجهی از مازاد تجاری چین با ایالات متحده در واقع انتقال از کشورهای سوم است (Yuqing, 2018, P.15).

افزایش صادرات کشور دارای کسری تجاری به کشور مازاد که نوعی فرصت صادراتی محسوب می شود معمولاً مورد استفاده قرار نمی گیرد، زیرا ایجاد عرضه صادراتی کاملاً جدید به سرمایه گذاری قابل توجه و تعهد یک تقاضای طولانی مدت

جدید نیاز دارد و تقاضای بلندمدت جدید تنها در صورت وجود عرضه طولانی مدت جدید و بالعکس ایجاد می‌شود؛ بنابراین نیاز به هماهنگی طرفین عرضه و تقاضا وجود دارد. علاوه بر این همیشه این نگرانی وجود دارد که تجارت به دلایل سیاسی توسط هر دو دولت قطع شود. دو منبع صادرات ایالات متحده به چین که بسیار واردات آن‌ها برای چین مهم است کالاهای کشاورزی و انرژی است. در هر دو مورد ظرفیت صادرات قابل توجهی در ایالات متحده وجود دارد. به‌عنوان مثال انواع گوشت، (گاو، خوک، مرغ) و دانه‌های خوراک (سویا و ذرت). البته چین در سال ۲۰۱۷، ۱۱۵ میلیارد دلار کالای کشاورزی وارد کرده است که فقط ۲۰ درصد آن از ایالات متحده بود. در حوزه انرژی نیز چین یک تقاضاکننده بزرگ است که می‌تواند با واردات گاز طبیعی و نفت شیل از ایالات متحده تأمین شود (Lau, 2020, P. 42-43).

از منظر آمریکا، حتی اگر این بعید باشد که سیاست‌های تجاری بتوانند تراز تجاری بلندمدت را تغییر دهند اما بی‌اهمیت نیستند. اگر ایالات متحده بتواند از معاملات تجاری برای باز کردن بازارهای خارجی برای صادرات خود استفاده کند وضعیت بهتری خواهد داشت. شرکت‌های آمریکایی کارآمد اگر بتوانند صادرات بیشتری را باقیمت‌های بالاتر داشته باشند به طبع می‌توانند دستمزد بالاتری نیز پرداخت کنند. به همین ترتیب اگر ایالات متحده موانع تجاری خود را در داخل کاهش دهد استانداردهای زندگی ایالات متحده بالاتر خواهد بود (Law rence, 2018, P. 8).

کارخانه‌های تولید فولاد چینی، تولیدکنندگان صفحه خورشیدی، توسعه‌دهندگان باتری برقی، کشتی‌سازان و تولیدکنندگان روغن همگی از شبکه گسترده‌ای از پشتیبانی دولت بهره‌مند می‌شوند. مقامات در پکن شرکت‌های چینی را در برابر رقبای خارجی خود با وام‌های تخفیف یافته از بانک‌های دولتی، زمین ارزان، برق کم‌هزینه و تزریق پول نقد از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مصوب رسمی حمایت می‌کنند. از نظر رهبران چینی یارانه‌ها ابزاری اصلی برای مدیریت اقتصادی هستند که به آن‌ها امکان می‌دهد اعتبار، زمین، انرژی و سایر منابع را به سمت شرکت‌های دولتی و همچنین شرکت‌های خصوصی که پکن آن‌ها را استراتژیک می‌داند

هدایت کنند (Lynch, 31 Dec, 2019).

یکی دیگر از مسائل مورد مناقشه میان چین و آمریکا مسئله عدم دسترسی مستقیم به بازار چین برای سرمایه‌گذاران آمریکایی است. مشاغل و سرمایه‌گذاران خارجی اغلب با محدودیت‌های زیادی برای ورود به بازار چین مواجه می‌شوند و اغلب آن‌ها در نهایت مجبور می‌شوند با یک شریک محلی کار کنند. از جمله حوزه‌هایی که بیشترین محدودیت را دارند شامل رسانه، اینترنت، مخابرات، حمل‌ونقل و بهداشت است. توجیهی که برای آن ارائه شد امنیت ملی است. مثلاً سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند به‌طور کامل مالک بیمارستان‌های کشور چین باشند. در مورد رسانه نیز دولت چین زمان اکران فیلم‌ها را مشخص می‌کند. شرکت‌های خارجی نقشی در اعلان زمان آن ندارند اما شرکت‌های چینی فیلم‌سازی در ایالات متحده آزادی عمل دارند (Achour & Pak, 22 Feb, 2021). یکی از نگرانی‌های عمده آمریکا در مورد چین مکمل بودن توانمندی‌های اقتصادی و نظامی این کشور است. با توجه به سرعت رشد اقتصادی چین و نگرانی آمریکا در این مورد، رقابت تسلیحاتی چین برای آمریکا نیز نگرانی فزاینده‌ای را برای این کشور به وجود آورده است. به‌طور مثال طرح ابتکار کمربند و راه از سوی چین به‌واسطه سود سرشاری که برای چین دارد موجب خواهد شد زمینه توان نظامی و دفاعی چین و حضور در این کشور در دیگر کشورها را در پی داشته باشد (گوهری مقدم و انصاری بارده، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۱).

در این زمینه دولت بایدن نیز هرچند رویکرد متفاوتی با دولت ترامپ دارد اما به نظر نتیجه یکی است. دولت بایدن معتقد است که جهانی شدن اقتصاد و ادغام اقتصادی در سطح جهان این فرصت را برای بازیگران بد فراهم کرده است که از این فرصت برای تقویت خود برای مقابله با آن‌ها استفاده کنند. لذا محدودیت در دسترسی به برخی از تکنولوژی‌ها می‌تواند کشور را مصون نگه دارد. لذا ممانعت از ارسال تجهیزات پیشرفته به دیگر کشورها همچون چین خود به‌نوعی کنترل رفتار آن کشور محسوب می‌شود. در واقع این دیدگاه غالب شده که در جنگ‌های تجاری متعارف معمولاً ملت‌ها از قدرت اقتصادی خود استفاده می‌کردند تا

دسترسی دیگران به بازار داخلی را محدود کنند و البته این به نظر دیگر کارآمد نیست، بلکه در مقابل شیوه جدیدی در حال اجراست و آن اینکه قدرت اقتصادی این گونه به دست می آید که کشورهای دیگر را از دسترسی به کالاهای مهم و حساس، محدود کنند و این شیوه جدید در دوره بایدن در حال اجراست (Krugman, 13 Oct, 2022).

در این زمینه ذکر این نکته نیز مهم است که دولت بایدن تلاش می کند اقدامات اقتصادی خود علیه چین را در قالب های دیگری پیاده کند و ضمن اینکه جنگ تجاری را دنبال می کند اما با دلایل دیگر همچون مسائل حقوق بشری سعی می کند سطح حساسیت جنگ تجاری را به بهانه اقدامات دیگر کنترل نماید (Mishra, 8 Sep, 2022).

۴-۴. مهار چین در حوزه فناوری های نوین و پیشرفته

امروزه می توان گفت برتری تکنولوژیکی شرط اول برتری در حوزه نظامی و اقتصادی و سیاسی در جهان است. به همین دلیل بخشی از رقابت ایالات متحده و چین به حوزه تکنولوژیکی و فناوری مربوط می شود. این ادعا وجود دارد که دولت چین با مداخله در بخش های صنعتی و فناوری باعث انتقال اجباری فناوری می شود. در واقع اتهام اصلی از طرف ایالات متحده به چین این است که شرکت های آمریکایی مجبور هستند فناوری های خود را برای دسترسی به بازار چین به شرکت های چینی منتقل کنند.

چین از محدودیت های مالکیت خارجی از جمله الزامات سرمایه گذاری مشترک و سایر محدودیت های سرمایه گذاری و صدور مجوز اداری برای تحت فشار قرار دادن شرکت های آمریکایی برای انتقال فناوری به نهادهای چینی استفاده می کند که این کار ارزش سرمایه گذاری و فناوری ایالات متحده و رقابت جهانی شرکت های آمریکایی را تضعیف می کند. محدودیت های چین توانایی چانه زنی و تعیین شرایط مبتنی بر بازار برای انتقال فناوری از صاحبان فناوری ایالات متحده محروم می کند. چین سرمایه گذاری سیستماتیک در شرکت های آمریکا و تملک آن ها توسط شرکت های چینی را برای دستیابی به فن آوری های پیشرفته و مالکیت معنوی و

انتقال فناوری در مقیاس وسیع در صنایعی که از نظر برنامه‌های صنعتی دولت چین مهم تلقی می‌شود، هدایت و تسهیل می‌کند (Kw ant, 2019, P.7).

چین با قرار دادن تنگناهای گوناگون در مسیر صاحبان سرمایه و تکنولوژی توانست فناوری‌های موردنیاز را کسب کند. بخشی از توسعه سریع چینی به خاطر کسب فناوری‌های جدید بوده است. برای مثال در کاتالوگ سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۷ سرمایه‌گذاری طرف چینی نمی‌توانست کمتر از ۵۰ درصد در تجارت اتومبیل سهم داشته باشد. همچنین یک سرمایه‌گذار خارجی نمی‌توانست بیشتر از ۵۰ درصد باارزش افزوده در تجارت خدمات ارتباط از راه سهم داشته باشد. این محدودیت‌ها در صنایع دیگری از جمله قطارهای سریع‌السیر، هواپیما و صنایع جدید اعمال می‌شد (Lee, 2020, P.332).

درواقع مهم‌ترین بخشی که دو کشور درباره آن اختلاف دارند یا به عبارتی یکی از بهانه‌های تمرکز جنگ تجاری در دوره ترامپ، بخش انتقال فناوری بود. ایالات متحده چین را متهم به انتقال اجباری فناوری از شرکت‌های آمریکایی به چینی کرده بود. البته مسائلی دیگری مثل کسری تجاری میان دو کشور نیز مورد بحث و اختلاف بود. چین و ایالات متحده دو اقتصاد بزرگ جهان هستند. آن‌ها نه تنها در تولید ناخالص داخلی، بلکه بزرگ‌ترین تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دارا هستند. بدون تردید روابط دو کشور نه تنها در اقتصاد آن‌ها بلکه بر اقتصاد جهانی و زنجیره‌های تولید جهانی تأثیرات عمیقی داشته است (Qiu, Zhan and Wei, 2019, P.148). اقدام فوق باعث نگرانی‌هایی برای سایر کشورها شد، چراکه آسیب به زنجیره تأمین به معنای کاهش رشد در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

مسئله مهمی که نباید از آن غافل شد این است که برخی از فناوری‌ها به دلیل سرریز دانش در شرایط عادی منتقل می‌شوند. نظریه سرریز دانش به معنی تبادل علوم و اطلاعات میان افراد یا شرکت‌هاست تا در نهایت منجر به خلق ایده‌های نو شود؛ بنابراین نکته اینجاست که خط بین انتقال فناوری داوطلبانه و اجباری گاهی اوقات تار می‌شود. شورای دولتی در چین استدلال کرده است که تمام انتقال

تکنولوژی در کشور داوطلبانه و با آزادی قرارداد انجام می‌شود. دولت اصرار دارد که شرکت‌های خارجی تکنولوژی‌های خود را به خاطر منافع خود انتقال می‌دهند و این انتقال‌ها فعالیت‌های عادی بازار هستند. هر سرمایه‌گذار خارجی در مورد اینکه آیا در چین سرمایه‌گذاری کند یا خیر و یا پیشنهاد دولت مبنی بر انتقال فناوری را بپذیرد یا خیر تصمیم می‌گیرد (Lee, 2020, P. 346). چین به‌طور کلی اتهام ایالات متحده مبنی بر نقض حقوق مالکیت معنوی از سوی چین را رد کرده است، اما با این وجود تحت فشار ایالات متحده، طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ به تدریج برخی از قوانین مربوط به تجارت عادلانه فناوری را اصلاح کرد. در مارس ۲۰۱۹ چین قانون سرمایه‌گذاران خارجی را که از اول ژانویه سال ۲۰۲۰ به اجرا درآمد ابلاغ کرد. ماده ۲۲ این قانون تصریح می‌کند که دولت از حقوق مالکیت معنوی سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و از حقوق صاحبان حقوق مالکیت معنوی محافظت می‌کند و افراد یا نهادهای نقض‌کننده حقوق قانونی باید پاسخگو باشند. شرایط همکاری فنی نیز به وسیله مذاکره مساوی بین طرفین سرمایه‌گذاری با توجه به اصل عدالت تعیین می‌شود و تحمیل هرگونه انتقال فناوری و اطلاعات محرمانه توسط آژانس‌های اداری و کارکنان آن‌ها ممنوع است (Lee, 2020, P.337).

محدودیت در دسترسی چینی‌ها به تکنولوژی‌های پیشرفته به دولت ترامپ محدود نشده و حتی در دوره بایدن به نظر می‌رسد شتاب بیشتری گرفته باشد. به‌طور مثال بایدن در آخرین تصمیم خود در مورد چین محدودیت‌های وسیعی بر صادرات تکنولوژی‌های تراشه‌ای به چین وضع کرده است (Swanson, Oct7,2022). اقدامی که خود گویای تداوم روند جنگ تجاری بایدن نسبت به چین است البته با ادبیات و شیوه‌های متفاوت.

۴-۵. نگرانی‌های امنیتی ناشی از رشد قدرت تکنولوژیک و اطلاعاتی چین

از زمانی که چین به قدرت و توانمندی در حوزه سایبری دست پیدا کرده، یکی از حوزه‌های رقابت بین آمریکا و چین عرصه سایبری است. موضوع جاسوسی سایبری به‌عنوان یک مسئله چالش‌برانگیز و در حال رشد در روابط ایالات متحده و

چین است که به‌طور جدی از طرف هر دو کشور پیگیری می‌شود. این موضوعی است که چندین سال است موجب تنش بین دو کشور را فراهم کرده است. از آنجایی که چین رقیب جدی برای ایالات‌متحده محسوب می‌شود، در زمان حملات سایبری، اولین نشانه‌ها به سمت چین روانه می‌شود. ایالات‌متحده معتقد است که چینی‌ها به شرکت‌های تجاری آمریکایی حمله می‌کنند تا اسرار تجاری و روش‌های فناوری‌های نوین آن‌ها را سرقت کنند تا از این طریق ابتدا به اقتصاد و سپس به موقعیت هژمونی آمریکا لطمه وارد کنند.

زیرساخت‌های کامپیوتری و شبکه‌ای دولت ایالات‌متحده به آن مزایایی در مدیریت دانش و اطلاعات نسبت به مخالفان و رقبا می‌دهد. با این حال این اتکا به فضای مجازی آسیب‌پذیری‌های قابل بهره‌برداری را ایجاد می‌کند. استفاده گسترده از فناوری اطلاعات و رایانه‌های شبکه‌ای به یک مرکز ثقل استراتژیک ایالات‌متحده تبدیل شده است و این امکان را برای رقبای آن‌ها فراهم می‌کند تا از برنامه‌ها، توانایی‌ها و عملیات اطلاعات کسب کنند یا ارتباطات را قطع و یا کاهش دهند و زیرساخت‌های عمرانی و اقتصادی را بر هم بزنند (Spade, 2011, P.31). این شرایط فرصتی مناسب برای هکرها فراهم می‌کند. در واقع ایالات‌متحده به‌عنوان یک اقتصاد بزرگ توسعه‌یافته، وابستگی زیادی به اینترنت دارد و بنابراین بسیار در معرض حملات سایبری قرار دارد. ایالات‌متحده با وجود برخوردار بودن از فناوری پیشرفته و سرمایه زیاد توانسته به توسعه قابل‌توجهی در حوزه سایبری دست پیدا کند، اما همچنان این کشور در خطر حملات سایبری قرار دارد. موضوع حملات سایبری به ایالات‌متحده همیشه وجود داشته است اما در دوران ترامپ، وی این موضوع را به‌صورت جدی‌تر پیگیری کرد. ترامپ معتقد بود چینی‌ها اسرار شرکت‌های تجاری را از طریق حملات سایبری به سرقت می‌برند تا در معاملات تجاری به نفع خود استفاده کنند. در این راستا کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات‌متحده وظیفه نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را بر اساس قانون سرمایه‌گذاری خارجی و امنیت ملی بر عهده دارد. اگر این کمیته اعلام کند سرمایه‌گذاری خارجی در یک شرکت آمریکایی تهدیدی برای امنیت ملی

ایالات متحده است، می‌تواند از آن جلوگیری کند. در همین راستا، کمیته فوق در راستای تحقیقات خود، شرکت بزرگ هواوی و زد تی ای را که بزرگ‌ترین تأمین‌کننده شبکه‌های ارتباط از راه دور جهان هستند، به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی شناخته و آن را در لیست سیاه خود قرارداد (Hung Kwant, 2019, P.12). این مسئله موجب گسترده‌تر شدن دامنه تنش تجاری میان دو قدرت فناوری جهان شد. از منظر چینی‌ها احتمال اینکه در این زمینه دولت بلیدن آتش جنگ تجاری آمریکا و چین را خاموش کند وجود ندارد و حتی به نظر می‌رسد در بلندمدت احتمال تشدید تنش‌های ناشی از جنگ تجاری میان طرفین وجود داشته باشد (Xiaoming, 24 Nov, 2022).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد به دو سؤال در حوزه جنگ تجاری آمریکا علیه چین پاسخ داده شود. در ابتدا این موضوع مطرح گردید که چرا با وجود اینکه در دوره ترامپ سیاست حمایت‌گرایی از اقتصاد ملی آمریکا نسبت به کشورهای دیگر اعلام شد اما در نهایت به جنگ تجاری آمریکا علیه چین منجر و ختم شد. در بررسی که در این پژوهش صورت گرفت مشخص گردید که رویکرد جنگ تجاری را می‌توان ناشی رویکرد اقتصادی و سیاسی واقع‌گرایانه دولت ترامپ دانست و در ادامه به دلیل تأثیر رقابت استراتژیک میان آمریکا و چین، ترامپ جنگ تجاری را بر روی چین به‌صورت هدفمند دنبال نمود.

با روند پژوهی که از تحولات جنگ تجاری و اقدامات طرفین آمریکایی و چینی صورت گرفت مشخص شد که هرچند دولت و شخص بایدن با ماهیت ملی‌گرایانه ترامپ در جنگ تجاری علیه دیگر کشورها به‌خصوص چین موافق نبوده و نیست، اما به نظر می‌رسد این رویکرد همچنان در دولت بایدن در حال اجراست. البته در دو نکته مهم تفاوت‌هایی به وجود آمده است. نخست تلاش شد که اختلافات تجاری با دیگر کشورهای متحد و دولت آمریکا مدیریت شده و نگرانی‌های فزاینده آن‌ها تقلیل پیدا کند و دوم دولت بایدن سعی می‌کند با تغییر تاکتیک و اتخاذ شیوه مذاکره و جلب اتحاد دیگر بازیگران مهم اقتصاد جهان، پشتوانه قوی‌تری برای

تداوم جنگ تجاری با چین را برای دولتش فراهم کند. گسترش اختلافات اخیر میان اروپا و آمریکا و حمایت از سیاست خارجی بایدن در زمینه مسائل حقوق بشری گویای رویکرد بایدن نسبت به چین است.

منابع

حسن خانی، محمد. مسرور، محمد. (۱۳۹۶). ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره بیست و چهارم (۱): ۱۸۳-۱۵۹.
http://www.iisajournals.ir/article_53760_e542d6d6a85fdaacf612077_3c0641800.pdf

زمانی، محسن. نیاکویی، سیدامیر (۱۳۹۸). واكاي عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۵: ۹۵-۱۲۰.
<https://doi.org/DOR:20.1001.1.24234974.1398.12.45.4.5>

شفیعی، نوذر (۱۴۰۱). از جدایی اقتصاد تا پیوند بیشتر: تحلیلی بر آینده جنگ تجاری آمریکا علیه چین. فصلنامه روابط خارجی. سال ۱۴. شماره ۱. صص ۱-۲۷...

http://frqjournal.csr.ir/article_153251_8930e489f8e0fda0d7d80ee00_8095824.pdf

شفیعی، نوذر (۱۴۰۰). تجزیه و تحلیل نقش اروپا در بازی بزرگ ایندو-پاسفیک. فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲. شماره ۳. صص ۳۶۷-۴۰۰.

http://frqjournal.csr.ir/article_128777_764c90a0276d9389bc55e52ba2dcad_5d.pdf

صالحی، مختار (۱۴۰۰). بازانديشی سیاست خارجی ترامپ در پرتو ملی‌گرایی اقتصادی. فصلنامه سیاست، ۳(۵۱): صص ۷۶۲-۷۳۷.
<https://doi.org/10.22059/jpq.2021.312090.1007688>

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳). اصول روابط بین‌الملل. نشر میزان. تهران، جلد یک، چاپ پنجم. قربانی، مژگان (۱۳۹۹). جنگ تجاری چین و آمریکا. علل و پیامدهای آن. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۱۰. شماره ۳۵. صص ۱۳۴-۱۵۵.

http://sspp.iranjournals.ir/article_48006.html

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۳). مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصاد سیاسی بین‌الملل. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲: صص ۱۱۰-۸۷.

https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article_1411_60cf9e45ff41b1d79a6d34206cf_e2262.pdf

کشمیری، سید محمد (۱۳۹۵). روابط آمریکا و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲(۱): ۱۱۲-۸۱.

کوزلاریچ، ریچارد (۲۱ آبان ۱۳۹۸). ترامپ یک رئالیست کلاسیک است/آمریکا به لیبرالیسم بازخواهد گشت. مصاحبه‌کننده: فاطمه محمدی پور، خبرنگار مهر. ۲۱ آبان، ۱۳۹۸. دسترسی در ۲۸/۶/۱۳۹۹.
<https://mehrnews.com/xQyvyv>

گوهری مقدم، ابوذر و انصاری بارده، رضا (۱۴۰۰). تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران. *فصلنامه روابط خارجی*. سال ۱۳. شماره ۲. صص. ۲۰۹-۲۳۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085419.1400.13.2.1.2>

گیلین، رابرت (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی جهانی درک نظم اقتصاد بین‌الملل*. ترجمه میرمحمدی، مهدی. یزدان فام، محمود. خسروی، علیرضا. جمشیدی، محمد. انتشارات تدبیر اقتصاد، تهران، جلد ۱، چاپ دوم.

نوریان، اردشیر (۱۳۸۸). منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل؛ نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی. *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۱: ۲۶۱-۲۲۳.

http://fp.ipisjournals.ir/article_9532_9a412476bc952c7262088e75d4f79773.pdf

نوروزی، محسن و غله پور، مهرداد. (۱۴۰۰). آینده پژوهی رویکردهای لیالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندو پاسفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه روابط خارجی*. سال ۱۳. شماره ۳. صص ۵۳۳-۵۷۰.

http://frqjournal.csr.ir/article_141148_b7e2876d7459382cf68b6dec6f3b98f4.pdf

وثوقی، سعید. رستمی، امیرحسین. یزدانی، عنایت اله. (۱۳۹۷). تاثیر قدرت یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا. *فصلنامه پژوهشهای روابط بین‌الملل*، شماره چهارم (۸): ۳۸-۷.

http://www.iisajournals.ir/article_90962_20b5d17f1796b04105184beca203f880.pdf

Achour, Sabriben. Pak, Jennifer. (22February, 2021). For US service firms, access to china still mixed. Market place. available at: yun.ir/rheji1.

BBC news. (15 September 2020). US back off Canadian aluminium tariffs. Available at: <https://b2n.ir/t72951>

Bown, Chad P. (8July 2019). Trums mini_trade war with India. Peterson Institute for international Economic. Available at: <https://b2n.ir/a39929>

Joshi, Manoj. (31May 2022). The Biden administration's approach to China: An assessment, <https://www.orfonline.org/expert-speak/the-biden-administrations-approach-to-china/>.

Hung Kwant, C. (2019). The china_Us Trade war: Deep_Rooted causes shifting Focus and uncertain prospects. *Asian Economic Policy Review*. (10): 1-18.

- Buchholz, Katharina. (19 Aug, 2019). The US China trade deficit is growing. *Statista*. available at: yun.ir/mcre6g.
- Krugman, Paul. (13 Oct 2022). When Trade Becomes a Weapon. At: <https://www.nytimes.com/2022/10/13/opinion/china-tech-trade-biden.html>.
- Lau, Lawrence J. (2020). Economic relations between china and the U.S. *lau chor tak institute of global economics and finance. the chinese university of Hong Kong*. (75): 1_53.
- Lawrence, Robert Z. (2018). Five reasons why the focus on trade deficits is misleading. *reterson. institute for international economics*. 1_8. <https://www.piie.com/sites/default/files/documents/pb18-6.pdf>.
- Lee, Ji Han. (2020). Forced technology transfer in the case of china. *China university of Hong Kong*. 26(324): 324_352.
- Lynch, David J. (31 December, 2019). Initial US-China trade deal has major hole: Beijing's massive business subsidies. *the Washington Post*. Available at: yun.ir/vqu3y1
- Lynch, D. Sieff, K. (30 May 2019). Trump tariff threat to Mexico may upend trade deal, undermine the economy. *Washington Post*. Available at: <https://b2n.ir/r88287>.
- Mishra, Vivek. (2022). From Trump to Biden, Continuity and Change in the US's China Policy. *ORF Issue Brief No. 577*, September 2022, Observer Research Foundation.
- Qiu, L. & Zhan, C. & Wei, X. (2019). An analysis of the china_us trade war through the lens of the trade literature. *Economic and political studies*. (7): 148-168. <https://doi.org/10.1080/20954816.2019.1595329>.
- Sheng, M. (2018). The impact of sino-US Trade war on Chinese industrial structure and countermeasure. *Shanghai university, China*. (163): 399-403. <https://www.atlantis-press.com/article/55910049.pdf>.
- Spade, Jayson. (2011). China's cyber power and Americans national security. *U.S. army college, pennsylvania*. 1_82.
- Swanson, Ana. (Oct 7 2022). Biden Administration Clamps Down on China's Access to Chip Technology. At: <https://www.nytimes.com/2022/10/07/business/economy/biden-chip-technology.html>.
- Tankersley, Jim; Landler, Mark. (May 15, 2019). "Trump's Love for Tariffs

Began in Japan's '80s Boom". The New York Times.
<https://www.nytimes.com/2019/05/15/us/politics/china-trade-donald-trump.html>.

Huimin, Ma; Wu, Xiang. Huang, Han. Xiong, Yn, Ji. (2018). Strategic plan of "Made in China 2025" and its implementation. Huazhong university of science and technology china.1_23.[https:// doi.org/10.4018/978-1-5225-3468-6.ch001](https://doi.org/10.4018/978-1-5225-3468-6.ch001).

Yuqing, Xing. (2018). China_US trade war and modern version of the Thucydides trap. *East Asian Policy*. (10): 5_23.
<https://doi.org/10.1142/S1793930518000338>.

Xiaoming,Zhou.(Nov 2022). Under Joe Biden, the US trade war on China is only likely to get worse.At:
https://www.scmp.com/comment/opinion/article/3200568/under-biden-us-trade-war-china-only-likely-get-worse?module=perpetual_scroll_0&pgtype=article&campaign=3200568